

# ضرورت انسجام میان مسلمانان

## از دیدگاه قرآن \*

اسدالله رضایی \*\*

### چکیده

اوضاع متشتت مسلمانان از یک سو و همدست شدن دنیای غرب علیه اسلام از سوی دیگر، ایجاب می‌کند که برای درمان درد پراکندگی پیروان اسلام، به قرآن رو آورد؛ از این رو، اتحاد که «انسجام و یگانگی همه مسلمانان در انتخاب شیوه واحد، برای نیل به اهداف واحد در برابر دشمنان» را معنا می‌دهد، از نظر قرآن امر ضروری به شمار می‌آید و اختلاف جز سستی و از دست رفتن عظمت مسلمانان را به ارمغان نمی‌آورد.

واژه‌های کلیدی: قرآن، اتحاد، وحدت، انسجام، اختلاف، مسلمانان، مذهب.

تاریخ تأیید: ۸۶/۰۸/۱۰

\* تاریخ دریافت: ۸۶/۰۶/۰۱

\*\* دانش‌پژوه کارشناسی ارشد رشته تاریخ اسلام، مدرسه عالی فقه و معارف اسلامی قم.

امروزه انسجام و یکپارچگی میان مسلمانان نه تنها از ضروری‌ترین مسائل روز به شمار می‌آید، بلکه ادامه حیات آنان به این امر مهم بستگی پیدا کرده است. امروز حساسیت به اوج رسیده دنیای غرب به مسلمانان از یک سو و عدم احساس مسئولیت مسلمانان نسبت به همدیگر از دیگر سو، و نیز فتنه‌افکنی و قتل‌عام‌های کینه‌توزانه دسته‌جمعی و تهاجم مرگبار با سلاح‌های پیشرفته و مدرن و سکوت مجامع بین‌المللی،<sup>۱</sup> همدلی و همسویی جهان اسلام را ضروری‌تر می‌سازد و همواره این پیام را می‌دهد که هم‌اکنون حیات و عزت مسلمانان در گرو وحدت است. به راستی، آیا مسلمانان از خود پرسیده‌اند که با قطع نظر از نابسامانی‌های اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و... تحمیلی بر مسلمانان، چرا این همه نا آرامیها و لشکر کشیها و قتل‌عام‌های بی‌رحمانه در کشورهای اسلامی اتفاق می‌افتد و حوادثی از این دست با کدام معیار قابل توجیه و با چه منطقی سازگار است؟! نه تنها کشورهای به ظاهر متمدن و حامی حقوق بشر! چاره‌ای نمی‌اندیشند، که آنها به نحوی با عاملان چنین فجایعی همدست‌اند و دستشان را با خون هزاران انسان بی‌گناه آلوده‌اند.<sup>۲</sup>

چرا؟ راه چاره چیست؟ تا به کی کشورهای اسلامی محل تاخت و تاز و میدان آزمایشهای سلاح‌های کشتار جمعی کشورهای زورگو و قدرت‌پرست باشند؟ تا چه زمانی انسان مسلمان با دیدن صحنه‌های دردناک و به خون خفتن هم‌کیشان خود و ضجه‌زدن زنان فرزند مرده و بچه‌های مادر از دست داده، غصه‌دار باشند؟! و تا چه موقعی منتظر باشیم که زورمداران، با ربودن سرمایه‌های ملت مسلمان برای گرفتن جانمان، بمب‌های اتم و موشک‌های قاره‌پیما بسازند و با گرفتن جانمان بر آرمانهایمان نیز فایق آیند! چرا و تا به کی؟

با توجه به هماهنگی و وحدت نظر جهان غرب لااقل در برابر جهان اسلام، به نظر می‌رسد چاره‌ای جز پناه بردن به «وحدت کلمه» و «کلمه واحده» باقی نمانده است و هر چاره‌اندیشی که زیر بنای آن «وحدت مسلمانان» را از نظر دور داشته باشد و «پد واحده» که همان دست خداوند است، در رأس امور نباشد، قطعاً محکوم به شکست خواهد بود و سرانجام ناموفقی خواهد داشت.

اتحاد و همبستگی میان مسلمانان از جنبه‌های مختلف قابل بررسی و ارزیابی است، ولی این نوشته بر آن است که دیدگاه «قرآن» را در این زمینه جویا شود و نقش این کتاب آسمانی را بررسی نماید.

## ۱. مفهوم اتحاد و واژه شناسی

برای پیشگیری از برداشتهای غلط و نادرست و احیاناً غرض‌مدارانه از واژه وحدت، اتحاد و اختلاف و...، ایجاب می‌کند که تصویری کلی از مفهوم این واژه‌ها ارائه گردد تا هم انتظار خواننده

گرانقدر برآورده گردد و هم از سرگردانی و دور شدن از هدف اجتناب شود.

واژه وحدت، از ریشه «وحد» و «یحد»، «حده» و «واحداً» گرفته شده و معنای تنها بودن و تنهایی را می‌رساند.<sup>۳</sup> به گفته راغب «وحدت» از «واحد» گرفته شده و واحد در حقیقت شیء است که به طور قطعی جزء ندارد، سپس بر هر چیزی اطلاق شده و توصیف به وحدت می‌گردد،<sup>۴</sup> و در کاربردهای فارسی نیز یگانگی، یگانه‌شدن و تنهایی را معنا می‌دهد.<sup>۵</sup>

اتحاد، مفهوم یکی شدن دو چیز یا چند چیز را می‌رساند.<sup>۶</sup> یگانگی داشتن، یگانگی کردن، یکرنگی، یکدلی و یک‌جهتی در مفهوم اتحاد نهفته است.<sup>۷</sup> واژه متحد به معنای یکی شده، پیوسته و متفق است.<sup>۸</sup>

اما اتحاد و وحدت بر اساس آموزه‌های قرآن کریم چه مفهومی را می‌رساند؟ باید گفت: عین واژه «اتحاد» و «وحدت» که روابط اجتماعی انسانها و یا خصوص مسلمانان را گوشزد نماید، در قرآن نیامده است، ولی همین معنا در قالب الفاظ دیگر رساتر و گویاتر بیان گردیده است، به گونه‌ای که با یک نگاه عمیق به این کتاب آسمانی و واژگان قرآن، افق جدیدی در این وادی فرا روی هر محققى گشوده می‌شود. قرآن کریم کتاب فرهنگ‌نامه و یا لغت‌نامه نیست، بلکه کتاب هدایت بشر به سوی سعادت است. از این‌رو، در این کتاب آسمانی عناوین کلی چون اسلام و مسلمانان در برابر کفر، مسلمان و مسلمانان در برابر یهود و نصاری،<sup>۹</sup> مسلمانان در مقابل فرقه‌های باطل دیگر،<sup>۱۰</sup> مسلمانان در برابر شقاق،<sup>۱۱</sup> مسلمانان در مقابل اهل کتاب،<sup>۱۲</sup> مسلمانان در برابر فرعونیان،<sup>۱۳</sup> مسلمانان در مقابل کفار معذب،<sup>۱۴</sup> مسلمانان در برابر شرک به خدا،<sup>۱۵</sup> ایمان و اسلام در برابر اعراب<sup>۱۶</sup> و مسلمانان در برابر مجرمان،<sup>۱۷</sup> به کار رفته است.

کاربرد واژه‌های «مؤمنین» و «مؤمنون» در مقابل «کافرون» و «کافرین»،<sup>۱۸</sup> و همچنین کاربرد ایمان در برابر کفر،<sup>۱۹</sup> نیز در قرآن فراوان به چشم می‌خورد که بی‌تردید ناظر به واحد بودن و وحدت اسلامی است.<sup>۲۰</sup> و مسلمانان را مجموعه‌ای متحد و همسو و هم‌رنگ در برابر مجموعه‌های پراکنده و متشتت دیگر قرار می‌دهد.

اما واژه دیگری که در قرآن هم بر جمعیت اسلامی و هم بر ادیان دیگر، اطلاق شده است و به نظر می‌رسد مفهوم و ملاک وحدت را بیش از هر عنوان دیگر در بردارد، واژه «امت» است که در چند جای قرآن کریم آمده است.<sup>۲۱</sup> برای کلمه امت چند معنا ارائه گردیده است، از جمله: یک: امت به معنای جماعتی است که دارای هدفی مشترک باشند و لازمه آن اجتماعی‌زندی کردن است.<sup>۲۲</sup>

دو: اصل واژه امت از ماده «ام، یوم» گرفته شده که به معنای قصد است و نه بر هر جماعت، بلکه بر جماعتی اطلاق می‌شود که افراد آن دارای یک هدف و یک مقصد باشند و این

مقصد واحد رابطه واحدی میان افراد ایجاد کند. به همین جهت توانسته‌اند این کلمه را بر یک فرد هم اطلاق کنند.<sup>۲۳</sup>

سه: امت در اصل از ماده «أم» به معنای هر چیزی است که اشیاء دیگری به آن ضمیمه گردد. به همین جهت، امت به جماعتی گفته می‌شود که جنبه وحدتی در میان آنان باشد؛ وحدت از نظر زمان یا مکان و یا از نظر هدف و مرام؛ بنابراین به اشخاص متفرق و پراکنده امت گفته نمی‌شود.<sup>۲۴</sup>

چهار: کلمه امت، از ریشه «أَمَمَ» در لغت به معنای اقتدا و پیروی و آهنگ، پیشوایی و رهبری آمده است و در قرآن به معنای جماعتی از مردم است که دارای یک راه و روش، یک هدف و یک رهبرند و از یک مرام و مکتب پیروی می‌کنند.<sup>۲۵</sup>

بنابراین، با توجه به این عناوین کلی در قرآن کریم و همچنین با در نظر گرفتن مفهوم امت، وحدت و اتحاد مسلمانان عبارت خواهد بود از: ارتباط و انسجام و یگانگی همه مسلمانان در انتخاب شیوه و روش واحد برای حفظ و نیل به اهداف اساسی دینی، اجتماعی و سیاسی واحد در برابر دشمنان مشترک.

## ۲. مقصود از وحدت

اما منظور از وحدت میان مسلمانان چیست؟ گستره آن تا چه افقی را فرا می‌گیرد؟ آیا از دیدگاه قرآن حتی اختلافات جزئی و سلیقه‌ای هم مذموم است یا خیر؟ شاید برخی تصور کنند که مقصود از وحدت و اتحاد مسلمانان این است که پیروان دین اسلام در هیچ موردی نباید دوگانگی و اختلاف داشته باشند و از عقیده گرفته تا عمل و از عبادات تا معاملات، در اصول و فروع و همه امور زندگی، آداب، رسوم، طرز فکر و شیوه‌های معاشرت و... باید وحدت داشته باشند؛ یا همه مسلمانان زیر لوایی واحد در آیند و به قانون واحد و سیاست یگانه، تن در دهند و از یک سیاست و یک رژیم سیاسی و اقتصادی پیروی نمایند. طبیعی است که این تصور خام، نه جامه عمل خواهد پوشید و نه ممکن و معقول است؛ زیرا وحدتی بدین معنا بر خلاف سنت الهی و فطرت انسانی و طبیعت بشر است.<sup>۲۶</sup>

شهید مطهری رحمته با طرح این پرسش که «مقصود از وحدت چیست؟» می‌گوید:  
بدیهی است که منظور علمای روشنفکر اسلامی از وحدت اسلامی، حصر مذاهب در یک مذهب و یا اخذ مشترکات مذاهب و طرد مقترقات آنها که نه معقول و نه منطقی است و نه مطلوب و عملی، نیست؛ منظور دانشمندان، متشکل شدن مسلمانان است در یک صف در برابر دشمنان مشترکشان.<sup>۲۷</sup>

طهری

خداوند در آیه ۱۰۳ سوره آل عمران می‌فرماید:

(ای مسلمانان) دسته‌جمعی به ریسمان خدا چنگ بزنید و اختلاف و تفرقه را کنار بگذارید، و نعمت خدایی را که میان شما الفت برقرار کرد، در حالی که دشمن همدیگر بودید، به یاد بیاورید.<sup>۲۸</sup>

همچنین در آیه ۶۰ سوره انفال می‌فرماید:

هر نیرویی در قدرت دارید، برای مقابله با آنها (دشمنان) آماده سازید، و (همچنین) اسبهای ورزیده، (برای میدان نبرد) تا به وسیله آن، دشمن خدا و دشمن خویش را بترسانید.<sup>۲۹</sup>

همچنین در آیه ۴۶ سوره انفال، هشدار می‌دهد: «و دستور خدا و رسولش را اطاعت نمایید، و نزاع و کشمکش نکنید، که سست شوید و قدرت (شوکت) شما از میان برود.»<sup>۳۰</sup> این آیات به خوبی منظور از وحدت میان مسلمانان را روشن می‌کند. مسلمانان با وجود اختلافات سلیقه‌ای و طبیعی و اختلاف در امور جزئی و فرعی، باید در برابر دشمنان بالفعل و بالقوه خود، در جهت حفظ و دفاع از دین و دسترس به اهداف اساسی و اصولی در ابعاد گوناگون، همسو و همفکر و هم‌مرام باشند و با تمام توان و برنامه‌های منسجم و همسو، از دین و دست‌آوردهای آن دفاع نمایند. طبیعی است که این معنا هم با سرشت و فطرت متفاوت انسانها سازگار است و هم اختلافات درون دینی را در امور جزئی و فرعی، معقول می‌سازد.

گویا همین هدف بسیار عالی و حیاتی را قرآن در یک جمله با زیباترین شکل و کوتاه‌ترین الفاظ گوشزد کرده است: «محمد فرستاده خداست؛ و کسانی که با اویند در برابر کفار سرسخت و شدید و در میان خود مهربان‌اند.»<sup>۳۱</sup>

دو صفت متضاد «شدت» و «رحمت»، بلندترین و جاودانه‌ترین پیام همبستگی و همسویی مسلمانان را همراه با گذشت و اغماض درون خودی، قاطعیت و کوتاه نیامدن از اهداف کلی و اصولی دین و آرمانهای اسلامی، در برابر دشمنان دین که سر ستیز و سازش‌ناپذیری دارند، با رساترین صدا اعلام می‌کند.

### ۳. ماهیت اختلاف و تاریخچه آن

از آنجا که اتحاد، اتفاق و وحدت در مقابل مخالفت، اختلاف و تفرقه به کار رفته است، لازم است نخست به مفهوم اختلاف و سپس به تاریخچه آن اشاره گردد:

اختلاف، مخالف اتفاق،<sup>۳۲</sup> به این معناست که یکی برخلاف جهت دیگری برود. اصل اختلاف، از اختلاف مسیر اخذ شده، همانند اینکه می‌گوییم: مسیر و راه ما متفاوت است؛ او به راهی می‌رود و من به راهی دیگر. سپس همین معنا از باب مشابهت، در اختلاف مذاهب به کار رفته است، یعنی هر مذهب خلاف جهت دیگری را بر می‌گزیند.<sup>۳۳</sup> به عبارت دیگر، اختلاف و

مخالفت به این مفهوم است که هر کسی راهی و شیوه‌ای را برخلاف رفتار و شیوه دیگری، در حالات و گفتارش برگزیند.<sup>۳۴</sup>

البته بر اساس دیدگاه علامه، کلمه «خَلْف» در مقابل «أمام» یا «قدام» به معنای پشت سر است. این معنای اصلی این ماده است و در سایر مشتقاتی که از این ریشه منشعب شده نیز این معنا نهفته است. وقتی گفته می‌شود: «اخلف وعده»؛ وعده خود را خلف کرد، معنایش این است که وعده خود را پشت سر انداخت، یا وقتی گفته می‌شود: «فلان خالف فلاناً او تخالفا»؛ فلانی با فلان کس مخالفت کرد و یا با یکدیگر مخالفت کردند، معنایش این است که در عقیده و یا عمل از هم جدا شدند، گویا هر یک دیگری را پشت سر انداخت. معنای «تخلف عن امره» نیز این است که امر او را پشت سر انداخت و به آن عمل نکرد. «اختلف القوم فی کذا» یعنی قوم یکدیگر را پشت سر انداختند. این معنای «اختلف» در مقابل «اتفاق» است.<sup>۳۵</sup>

همچنین با مراجعه به قرآن کریم، آیاتی به چشم می‌خورد که همین مفهوم را یادآور می‌شود. از جمله آیه ۶۵ سوره زخرف اختلافات امت حضرت عیسی علیه السلام را درباره او این‌گونه تصویر می‌کند: «گروهها و حزبهای مختلف از بین امت عیسی علیه السلام در مورد وی اختلاف کردند: بعضی به وی کفر ورزیدند و عیبش گفتند، و جمعی دیگر به وی ایمان آوردند و درباره‌اش غلو کردند و جمعی راه میانه و اعتدال را رفتند.»<sup>۳۶</sup>

### ۱-۳: پیشینه اختلاف

اینکه پیشینه اختلافات و عدم همسویی بشر، و به‌ویژه میان مسلمانان، به کجا بر می‌گردد و از چه نقطه‌ای آغاز گردیده است، فرصت پژوهش طولانی‌تری را می‌طلبد، ولی در اینجا به دو نکته اساسی اشاره می‌شود:

### اول: پیشینه بشر

با نگاه موشکافانه به آیات قرآن درباره اینکه انسانهای ما قبل تاریخ چه طرز تفکری داشته‌اند و چگونه می‌اندیشیده‌اند و آیا با همدیگر همسویی و انسجام داشته‌اند و یا اختلاف، نکاتی به دست می‌آید. به نظر می‌آید آیه ۲۱۳ از سوره بقره به روشنی پرده از روی این حقیقت بر می‌دارد و به طور واضح اعلام می‌کند که انسانهای ابتدایی، با قطع نظر از اختلاف سلیقه، به لحاظ سادگی در چگونگی زندگی و عدم پیچیدگی در اندیشه و آرمانها، نوعی اتحاد و اتفاق داشته‌اند، گرچه این همبستگی به تبع فکر و اندیشه آنان، بسیار پیش پا افتاده و ساده بوده است. ولی به همان مقیاس که سطح فکری آنان رشد می‌کند و رو به جلو می‌رود، به همان اندازه این همسویی رو به افول می‌گذارد، چنان که آیه شریفه می‌فرماید:

طاهر

مردم (در آغاز) یک دسته بودند (و تضادی در میان آنها وجود نداشت، به تدریج جوامع و طبقات پدید آمد و اختلافات و تضادها در میان آنها پیدا شد)؛ (در این حال) خداوند پیامبران را برانگیخت؛ تا مردم را بشارت و بیم دهند و کتاب آسمانی، که به سوی حق دعوت می‌کرد، با آنها نازل نمود، تا در میان مردم در آنچه اختلاف داشتند داوری کنند.<sup>۳۷</sup>

مفسر گرانقدر، مرحوم علامه طباطبایی رحمته الله علیه، همین برداشت را از آیه شریفه دارد و آن را با این اعتبار عقلی موافق می‌سازد:

هرچه به عقب بر می‌گردیم، به رموز کمتری از زندگی بر می‌خوریم، و نوع بشر را می‌بینیم که به اسرار کمتری از طبیعت پی برده است، تا آنجا که می‌بینیم نوع بشر چیزی از اسرار طبیعت را نمی‌داند، تو گویی تنها بدیهیات را فهمیده‌اند و به اندکی از نظریات فکری که وسایل بقا را به ساده‌ترین وجه تأمین می‌نموده، دسترس داشته‌اند.<sup>۳۸</sup>

البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که این مفسر گرانمایه، در جای دیگری از اثر گران‌سنگش، این قاعده کلی را استنباط و ابراز می‌دارد:

مدنیت و اجتماعی بودن انسان فطری و بالطبع نیست (در مقابل دیدگاه مشهور که می‌گوید اجتماعی بودن انسان فطری است) بلکه اجتماعی بودن بشر و اینکه باید در کنار هم زندگی کنند، ضرورت ثانوی و ناچاری است و دستاورد قریحه و غریزه استخدام‌گری هر فرد نسبت به فرد دیگر است.<sup>۳۹</sup>

صاحب تفسیر *المنار* نیز شبیه همین دیدگاه را در این زمینه ابراز می‌دارد.<sup>۴۰</sup> متفاوت بودن طبیعت انسانها از نظر شکل ظاهری، رنگ، سلیقه، استعداد و... که نشانه‌های تجلی قدرت خداوند است،<sup>۴۱</sup> خود زمینه اختلافات و تضادهای وسیع‌تری را فراهم می‌کرد. برخورد و تلاقی منافع مادی بر اثر توسعه بهره‌وری از طبیعت، مقام، غریزه شهرت‌یابی در سایه گسترش دانش، روابط گروهی و فردی به خاطر توسعه جمعیت و نفوس آدمی، آداب و محیط و... هر کدام در ایجاد اختلافات نقش اساسی داشت. این امر زندگی بشر را تهدید می‌کرد و نظام اجتماعی و گروهی را مختل می‌ساخت. به گفته برخی از مفسران، این اختلافات امری ضروری و وقوعش در میان جامعه بشری امری حتمی بوده است.<sup>۴۲</sup>

## ۲-۳: تشریح دین

اینجا بود که خداوند از در لطف بی‌پایان و حکمت حکیمانه‌اش، بعثت انبیا و ارسال کتابهای آسمانی را راه درمان امراض بشر، از جمله درمان اختلافات این موجود، قرار داد و نسخه بلند و جاودانه‌ای، بر اساس علم نامحدودش به ابعاد مختلف بشر، پیچید که انسان همواره داروی درمانش را از آن بخواهد.<sup>۴۳</sup>

بنابراین، نخستین اختلافات که درحوزه باورها و رفتار و منافع انسان در تاریخ بشر رخ می‌دهد، به مساعدت تفاوت‌های ذاتی و طبیعی آشکار و یا نهفته در انسان، شکل می‌گیرد که خود، باعث تشریح دین و ارسال قوانین الهی می‌گردد و نخستین رفع اختلاف هم به وسیله دین و آموزه‌های دینی صورت گرفته است.<sup>۳۳</sup>

دومین اختلافی که در عرصه زندگی انسانها به وقوع می‌پیوندد، اختلاف و ناهمگونی در خود «دین» است. دینی که مایه رفع اختلافات بود و می‌بایست همچنان نقش خود را بالنده‌تر ایفا کند، به تدریج در خود آن اختلاف ایجاد شد. این نوع اختلافات که در مقیاس وسیع ابراز وجود می‌کرد، چیزی نبود که طبیعت کلی بشر آن را بر روابط انسانها تحمیل کرده باشد، بلکه ناشی از انحراف، لجاجت، طغیانگری و حسادت‌های خود حاملان دین بوده است.<sup>۳۵</sup> قرآن کریم در چندین آیه به این معنا تصریح می‌کند: «...تنها گروهی از کسانی که کتاب را دریافت داشته بودند و نشانه‌های روشن به آنها رسیده بود، به خاطر انحراف از حق و ستمگری در آن (دین) اختلاف کردند.»<sup>۳۶</sup>

قرآن در آیه ۱۴ سوره شوری به صراحت این معنا را خاطر نشان می‌سازد:

دینی که برای نوح و ابراهیم و موسی و عیسی، تشریح کردیم، برای تو تشریح کردیم و دستور دادیم که آن را به پا دارید و در آن اختلاف نکید، ولی گروهی که عالم بدان بودند، از در حسادت و طغیان آتش اختلافات را شعله‌ور کردند.<sup>۳۷</sup>

مرحوم طباطبایی رحمته اختلاف‌اندازان را حاملان دین و گردانندگان کلیسا و کسانی می‌داند که به کتاب خدا علم داشتند، اما به سبب حسادتی که به یکدیگر می‌ورزیدند و تنها به انگیزه سرکشی و ظلم، اختلاف ایجاد کردند.<sup>۳۸</sup>

مرحوم طبرسی، اختلاف‌اندازان در دین را به قوم یهود مثال می‌زند که آنان با اینکه اوصاف آخرین پیامبر خدا را می‌دانستند، آن را کتمان کردند.<sup>۳۹</sup>

*تفسیر نمونه* سیر تحول زندگی و فکری انسانها را با بهره‌گیری از آیه ۲۱۳ سوره بقره، در چند مرحله؛ یعنی وحدت ابتدایی، شکل‌گیری اجتماع، بروز اختلافات و تشریح دین، هشدار انبیا، تمسک به تعلیمات پیامبران، چهره تازه از اختلافات ناشی از ستمگری و بغی، شکل‌گیری مؤمنان و کافران فهرست می‌کند.<sup>۴۰</sup>

## دوم: اختلافات مسلمانان

با ظهور مکتب نجاتبخش اسلام و آخرین دین خدا، در سرزمین آشفته و بحرانی زده‌ای که سالهای طولانی در آتش اختلافات ناشی از پیش پا افتاده‌ترین مسائل می‌سوخت، یکباره آلام و

طبرسی

سال ششم - شماره ۲۴ - زمستان ۱۳۸۶



دردهای بی‌درمان مردمان آن سرزمین تسکین یافت و شعله‌های جنگ و نسل‌کشی فروکش کرد. جزیره‌العرب که مهد خشونت و بی‌رحمی بود و بلند آوازه‌ترین بت‌های جهالت و خدایان خرافات را در خود داشت، مبدل به کانون الفت و مهربانی و پایگاه خدا باوری گردید. انسان‌هایی که روزگاری تشنه خون همدیگر بودند و سایه برادرشان را با تیرهای کینه و حسادت نشانه می‌گرفتند، به جایی رسیدند که الگوی ایثار و از خود گذشتگی در راه دین خدا و نماد همبستگی پیروان آن قرار گرفتند. علی علیه السلام، سلمان، اباذر، مقداد، بلال، سمیه و... جز همین افراد بودند.

جنگها و کشمکشهای یکصد و چهل ساله<sup>۵۱</sup> میان دو قبیله «اوس» و «خزرج»، نمونه بسیار روشن و آشکاری است که در سایه دین اسلام، خاموش گردید و کینه‌ها و عداوت‌های این سال‌های طولانی جای خود را به برادری و صمیمیت بخشید؛ به گونه‌ای که قرآن کریم این صمیمیت و برادری و حلاوت میان آن دو قبیله را به عنوان «نعمت» بزرگ به رخ مسلمانان می‌کشد<sup>۵۲</sup> و هشدار می‌دهد که این نعمت را از یاد نبردند و مدیون آن باشند.

بنابراین، در سایه تعالیم دین اسلام و با رهنمودهای مهربانانه پیامبر گرانقدر اسلام، میان طوایف و قبیله‌ای که رو به دین می‌آوردند و خود را مطیع فرمان خدا و رسولش قرار می‌دادند، اتحاد و همبستگی عمیق ایجاد شد. تا زمانی که رسول‌الله صلی الله علیه و آله در قید حیات بود و مسلمانان از وجود با برکت او نفع می‌بردند، اختلافاتی که باعث نگرانی و هراس می‌گردید، در میان مسلمانان وجود نداشت؛ زیرا آنان در هر موردی که دچار اختلاف می‌گشتند، به رسول‌خدا صلی الله علیه و آله مراجعه می‌کردند و حضرت اختلافات را طیبانه برطرف می‌کردند.<sup>۵۳</sup>

اما با کمال تأسف و سوگمندانه، همزمان با غروب غم‌انگیز آن حضرت، بار دیگر اختلافاتی که به سان آتش زیر خاکستر، سر در نقاب برده بود و هنوز ریشه‌های آن از عمق جاهلیت آب می‌خورد، شعله کشید و فضای صمیمیت مسلمانان واقعی را آلوده کرد؛ گرچه به گفته نویسنده کتاب *ادب الاختلاف فی الاسلام* این اختلاف مؤدبانه بوده است. اکنون به نمونه‌هایی از آن اختلافات اشاره می‌شود:

#### ۱. اختلاف در فرمان رسول‌خدا صلی الله علیه و آله

اندکی قبل از وفات رسول‌خدا صلی الله علیه و آله، در حالی که او هنوز رمق حیات داشت و قلب مبارکش برای آینده اسلام می‌تپید، از اختلاف بر سر جانشینی خود که امتش را تهدید می‌کرد، به شدت هراس داشت. از این‌رو، برای جلوگیری از اختلافات و استقرار جانشین مورد نظرش در فضای خلوت، فرمان حرکت سپاهی به فرماندهی «اسامه بن زید» را به سوی مرزهای اسلام و روم صادر فرمود، ولی اختلاف شدیدی در اجرای فرمان رسول‌الله صلی الله علیه و آله پدید آمد؛ آن هم به این بهانه

واهی و با رنگ و بوی جاهلی که چرا با وجود سالخوردگانی چون ابابکر، عمر، عثمان و... در میان صحابه، جوان هفده - هجده ساله به فرماندهی سپاه برگزیده شود! این اختلاف و سرپیچی از دستور رسول خدا ﷺ خشم آن حضرت را با بدن تبار فرامه آورد، زیرا پیامبر خدا ﷺ فرمان حضور همه مسلمانان به جز عده‌ای خاص چون علی علیه السلام را داده بود و نیز با اینکه در بستر بیماری افتاده بود، همواره قضیه عزیمت سپاه را پیگیری می‌کرد. اما این آرزوی رسول الله ﷺ جامه عمل نپوشید و وقتی آن حضرت شنید که هنوز سپاه از مدینه خارج نشده، با حال بیماری و با سر برهنه به مسجد آمد و مردم را سخت سرزنش نمود و در جواب بهانه‌جویی آنان، اسامه بن زید را همچون پدر او «زید»، شایسته، شجاع و لایق فرماندهی دانست!<sup>۵۴</sup> و عذر و بهانه مخالفان را قطع کرد و میان خود و خدایش از یک سو، و مردم و پیروانش از دیگر سو، هیچ عذری را باقی نگذاشت.

## ۲. اختلاف در اصل وفات رسول الله ﷺ

نویسنده کتاب *ادب الاختلاف فی الاسلام* چندین اختلاف را بعد از رسول خدا ﷺ نام می‌برد و نخستین اختلاف میان مسلمانان را تحت عنوان «اختلافهم فی وفاته ﷺ» می‌آورد. او می‌گوید:

اولین اختلاف میان پیروان اسلام، اختلاف در اصل<sup>۵۵</sup> وفات حضرت بود که توسط سید ما عمر بن الخطاب مطرح شد و او شمشیر به دست، اصرار داشت که رسول الله ﷺ از دنیا نرفته است تا اینکه ابابکر آمد و این آیه شریفه را قرائت کرد: «محمد فقط فرستاده خداست و پیش از او فرستادگان دیگری نیز بودند، آیا اگر او بمیرد و یا کشته شود، شما به عقب بر می‌گردید؟»<sup>۵۶</sup> آن‌گاه شمشیر از دست عمر به زمین افتاد!<sup>۵۷</sup>

## ۳. اختلاف در مورد دفن رسول الله ﷺ

اختلاف دیگری که به عقیده نویسنده کتاب یاد شده، پس از رحلت پیامبر عظیم‌الشان اسلام، در میان مسلمانان در گرفت، اختلاف درباره محل دفن بدن مطهر رسول خدا ﷺ بود. برخی گفتند: باید حضرت را در مسجدش به خاک بسپاریم، ولی برخی دیگر اصرار داشتند که محل دفن کنار اصحاب و در قبرستان عمومی باشد. اما ابوبکر گفت: من از رسول خدا ﷺ شنیدم که می‌گفت: هیچ پیامبری را خدا قبض روح نمی‌کند مگر اینکه در همان محلی که از دنیا رفته است، به خاک سپرده می‌شود؛ لذا فرشی را که رسول خدا روی آن از دنیا رفته بود، کنار زدند و قبر حضرت را آماده کردند و بدن آن حضرت را به خاک سپردند!<sup>۵۸</sup>

## ۴. اختلاف در جانشینی رسول الله ﷺ

ماندگارترین اختلاف میان مسلمانان، اختلاف در مورد جانشینی پیامبر اکرم ﷺ بود. به گفته آن نویسنده، در اینکه جانشین حضرت چه کسی باشد، از مهاجرین باشد یا از انصار، یک نفر

آن را به عهده بگیرد یا گروهی، اختلاف شد. البته اوصاف و ویژگیهای خلیفه پیامبر نیز مورد اختلاف بود که آیا باید عین صفات و خصوصیات رسول الله ﷺ را داشته باشد یا کمتر از آن هم کفایت می‌کند.<sup>۵۹</sup> این اختلافات سبب شد که میان شیعه و سنی در مسائل فقهی و کلامی هم اختلاف ایجاد گردد!<sup>۶۰</sup>

البته برخی بر این باورند که نخستین اختلاف و شکاف میان مسلمانان بعد از وفات رسول خدا ﷺ، درباره «امامت و رهبری» بوده است. به نقل از ابوالحسن اشعری آورده‌اند: در زمان خلافت ابابکر تا عثمان هیچ اختلافی وجود نداشت و اولین اختلاف میان پیروان اسلام درباره خلافت بود.<sup>۶۱</sup>

شهرستانی نیز در کتاب خود همین عقیده را ابراز می‌دارد و می‌آورد: این بزرگ‌ترین اختلاف و شکاف میان مسلمانان بود که سرچشمه اختلافات دیگر در طول زمانهای پس از آن گردید.<sup>۶۲</sup>

این نزاع و شکاف، گرچه پس از وفات رسول خدا ﷺ صورت گرفت و در عقاید مشترک میان آنان در عهد رسول الله ﷺ نبود و همگان راجع به عقاید مشترک، همچنان مسلمان بودند، ولی در عین حال باعث جلوگیری از تحقق و آرمان دوران رسالت گردید.<sup>۶۳</sup>

صاحب المنار، با چشم‌پوشی از آنچه پس از وفات رسول خدا ﷺ رخ داده است، نخستین اختلافات میان مسلمانان را، اختلاف میان علی علیه السلام و معاویه بن ابی‌سفیان می‌داند و گروه دوم یعنی معاویه را «فرقه باغیه» می‌خواند و پس از آن، جنگ خوارج و شیعه را اختلاف بعدی و جنگ میان مصریون و وهابیون را آخرین اختلافات، بر می‌شمارد.<sup>۶۴</sup>

به هر حال، آنچه در تاریخ اسلام به وضوح قابل تأیید است و هیچ تردیدی در آن نیست، این است که در آغاز، در سایه تعلیمات قرآن و تدبیرهای معمار این دین، اتحاد و همبستگی بی‌مانندی میان مسلمانان ایجاد شد و صمیمیت و اخوتی مثال‌زدنی نه تنها میان مسلمانان که میان غیر مسلمانان تحت سیطره اسلام نیز شکل گرفت، ولی دیری نپایید که با غروب دردناک آخرین فرستاده خدا، در همان لحظات نخست، نطفه اختلافات به شکل و قیافه جدید، منعقد گردید و همچنان در عرصه‌های گوناگون زایش یافت! اما درباره اینکه حق با کدام طرف بود و کدام طرف بر دین نوپای اسلام جفا روا داشت، باید گفت: اولاً بررسی و بحث آن، در شرایط کنونی هیچ دردی از مسلمانان را دوا نمی‌کند؛ ثانیاً از آنجا که این سطور همبستگی و وحدت مسلمانان را هدف همت خود قرار داده است، ظرفیت آن بحث را ندارد؛ هر چند طرفداران هر گروه در جای خود اعتقادات خویش را به اثبات رسانده‌اند.

#### ۴. قرآن و ضرورت وحدت

در اهمیت و ضرورت اتحاد و همدلی در میان مسلمانان از دیدگاه قرآن، هیچ تردیدی وجود ندارد و قاطعانه می‌توان گفت که یکی از مسائل اجتماعی، که قرآن بیش از هر چیز دیگر بر آن تأکید دارد، وحدت میان پیروان آن است. قرآن این مهم را در قالب آیات متعدد و شکل‌های گوناگون، مورد توجه ویژه قرار داده است و نه تنها همسویی و هم‌رنگی مسلمانان را برای نیل به اهداف بلند اسلام دانسته، که آن را یکی از اساسی‌ترین و اصلی‌ترین آرمان‌های خود برشمرده است. از یک سو، هدف از آفرینش بشر، رسیدن به کمال و فضایل انسانی در سایه پرستش معبود یگانه است،<sup>۶۵</sup> و طبیعی است که این هدف فقط هنگامی در دسترس است که انسان به صورت اجتماعی زندگی نماید و از دیگر سو، دستیابی به اهداف اساسی و رسیدن به منافع مشروع و دفاع از آن و بهره‌گیری از نعمتهای الهی، جز در سایه وحدت مسلمانان، امکان‌پذیر نخواهد بود.<sup>۶۶</sup> هر کدام از این اهداف به نحوی در آیات کلام الله مجید، منعکس شده است و نه تنها شایسته، بلکه ضروری است که مسلمانان به دامن قرآن پناه ببرند و درمان مشکلات، به‌ویژه درمان اختلافاتشان را از قرآن بخواهند.<sup>۶۷</sup>

از این رو، در این بخش به ذکر سرفصلها و نمونه‌هایی از این دسته آیات بسنده می‌شود و جزئیات آن به عهده خوانندگان ارجمند واگذار می‌گردد:

#### ۴-۱. هدف واحد در سایه پرستش خدایی یگانه

قرآن کریم دست‌کم در دو آیه از آیات الهی، به صراحت تمام اعلام می‌دارد که نوع انسان خدایی یکتا و هدف واحد دارد: «(این پیامبران بزرگ و پیروانشان) امت واحدی بودند (و پیرو یک هدف)؛ و من پروردگار (یگانه) شما، پس از (مخالفت فرمان) من بپرهیزید. پس مرا پرستش کنید.»<sup>۶۸</sup> واژه «امت»، که دست‌کم دو بار در قرآن کریم ذکر شده، به معنای «جماعتی است که مقصد و هدف واحد آنها را جمع کرده باشد.»<sup>۶۹</sup> به گفته مرحوم علامه طباطبایی رحمته، بر اساس سیاق آیه، خطاب در آیه عمومی است و تمام افراد مکلف بشر را فرا می‌گیرد و مراد از آن در اینجا نوع انسان است که به خودی خود وحدتی دارد و همه انسانها در آن نوع واحدند. برخی نیز همین مفهوم را امت اسلام دانسته‌اند که همه انبیای الهی در آن اتفاق نظر دارند.<sup>۷۰</sup>

هر کدام از این دو احتمال که درست باشد، هدف و آرمان واحد، در سایه پرستش خدا محقق می‌شود و طبیعی است که نیل به هدف واحد، بدون اتحاد و همبستگی محال و یا بسیار دشوار خواهد بود.

#### ۴-۲. تهدید به عواقب اختلاف

یکی از روشهای هدایت قرآن کریم این است که پیروانش را به عواقب و پیامدهای معصیت، تهدید می‌نماید و از این طریق انگیزه ایجاد می‌کند. قرآن در مورد اهمیت اتحاد

طهری

سال ششم - شماره ۲۴ - زمستان ۱۳۸۶

مسلمانان نیز در آیه ۱۰۵ از سوره آل عمران، خطاب به مسلمانان هشدار می‌دهد که بر اثر اختلاف و تفرقه میان خود، به سرنوشت امتهای قبلی همچون یهود و نصاری مبتلا نشوید که عذاب عظیم در انتظارتان خواهد بود: «مانند کسانی نباشید که پراکنده شدند و اختلاف کردند (آن هم) پس از آنکه نشانه‌های روشن (پروردگار) به آنان رسید، و آنها عذاب عظیمی دارند.»<sup>۷۱</sup> مقصود از «الذین» یهود و نصاری هستند و آیه بر حرمت اختلاف دلالت می‌کند.<sup>۷۲</sup>

برخی از مفسران می‌گویند: بعید نیست جمله «من بعد ما جاء هم البینات» متعلق به جمله «واختلفوا» باشد که در این صورت منظور از «اختلاف» تفرقه از حیث اعتقاد و مراد از «تفرقه» اختلاف و تشتت از حیث بدنهاست. اگر تفرقه را جلوتر از اختلاف ذکر فرمود، برای این است که تفرقه و جدایی بدن‌ها از یکدیگر، مقدمه جدایی عقاید است؛ چون اگر یک قوم به هم نزدیک و مجتمع و مربوط باشند، عقایدشان به یکدیگر متصل می‌گردد و در آخر از راه تماس و تأثیر، متحد می‌شوند و اختلاف عقیدتی در میانشان رخنه نمی‌کند. برعکس، وقتی افراد از یکدیگر پراکنده و بریده شدند، همین اختلاف و جدایی بدن‌ها باعث اختلاف مشربها و مسلک‌ها می‌شود و به تدریج هر چند نفی دارای افکار و آرای مستقل و جدا از افکار و آرای دیگران می‌شوند و تفرقه و جدایی باطنی هم پیدا می‌کنند و شق عصای وحدتشان می‌گردد.<sup>۷۳</sup>

بنابراین، آیه شریفه هشدار می‌دهد که اولاً شما باید وحدت و همسویی داشته باشید و آن را در هر شرایطی حفظ کنید؛ ثانیاً مانند قوم یهود و نصاری دچار تشتت و پراکندگی نشوید و ثالثاً در صورتی که به این هشدار توجه نکنید، بدانید که سرنوشت بد و دردناکی در انتظار شماست!

### ۴-۳. چنگ زدن به ریسمان خدا

آیه دیگر که به طور جدی ضرورت اتحاد و همبستگی، میان مسلمانان را مطرح می‌کند، آیه ۱۰۳ از سوره آل عمران است که می‌فرماید: «و همگی به ریسمان خدا (اسلام و قرآن و هرگونه وسیله وحدت) چنگ زنید و پراکنده نشوید و نعمت (بزرگ) خدا را بر خود به یاد آورید که چگونه دشمن همدیگر بودید و او میان دل‌های شما الفت ایجاد کرد و به برکت نعمت او برادر شدید.»<sup>۷۴</sup>

واژه «حبل»، در اصل به معنای وسیله‌ای است که انسان توسط آن به مقصد و حاجت خود برسد، مانند ریسمانی که انسان با چنگ زدن به او خود را از ته چاهی و مانند آن نجات دهد.<sup>۷۵</sup>

در این آیه شریفه چند نکته اساسی زیر در جهت انسجام‌بخشی مسلمانان ذکر شده است: یک: جمله «واعتصموا بحبل الله...» تمثیل،<sup>۷۶</sup> یا استعاره تمثیلیه است؛ زیرا حالت و موقعیت مسلمانان در تمسک آنان به کتاب الله و یا در متحد بودنشان و هم‌پشت و یار بودنشان نسبت به

یکدیگر، تشبیه شده است به حالت چنگ زدن کسی از مکان بلند، به ریسمان محکمی که مایه امنیت است و از سقوط او جلوگیری می‌کند.<sup>۷۷</sup>

مفسر دیگری این رابطه شباهت را این‌گونه به تصویر می‌کشد:

کسی که از مسیر بسیار خطرناک و پرتگاه هولناکی عبور کند، همواره هراس دارد از آن پرتگاه که انتهای آن ناپیداست سقوط کند، ولی با گرفتن طنابی که دو طرف آن در جایی محکم و استوار است، با اطمینان خاطر از آنجا عبور می‌کند و خود را به مقصد می‌رساند. مسیر و طریق سعادت که خداوند در این آیه پیشنهاد می‌کند شبیه همان مسیر خطرناکی است که تمسک به کتاب خدا (و اسلام) باعث نجات می‌شود.<sup>۷۸</sup>

دو: خداوند نحوه تمسک و چنگ‌زدن به این ریسمان محکم را با واژه «اعتصام» که از ریشه «عصمت» است بیان کرده است؛ با اینکه می‌شد آن را با کلمه «تمسکوا» و یا عبارتهای دیگر اظهار نماید. چنین تعبیر لطیف و زیبایی این نکته را به ما می‌فهماند که اگر مسلمانان با وحدت و همدلی تمام و عاری از هرگونه اختلاف و غرضهای سوء، به حبل‌الله چنگ بزنند، باید بدانند که از آفتها و لغزشها در امان مانده و بیمه شده‌اند. به قول سیدقطب، اعتصام به این نعمت است که خداوند بر مسلمانان صدر اول منت نهاده است. لذا صرف تجمع به هر شکلی مطلوب نیست، بلکه باید بر اساس عصمت باشد.<sup>۷۹</sup>

سه: جمله «واعتصموا» (تمسک شوید)، از یک طرف در قالب «فرمان» و دستور بیان شده و از سوی دیگر به صورت «خطاب جمعی» به ملت مسلمان است. از طرف دیگر، همان فرمان عمومی را با کلمه «جمیعاً» تأکید کرده است تا بفهماند که اولاً این تمسک باید دسته جمعی و از سوی همه مسلمانان صورت گیرد؛ ثانیاً چون در آیه شریفه هیچ قید زمان و مکانی لحاظ نشده، این تمسک وقتی در حالات اجتماعی و سیاسی مسلمانان تأثیر مثبت می‌گذارد که در طول تاریخ و در همه شرایط انجام گیرد.<sup>۸۰</sup>

جالب اینکه شأن نزول آیه شریفه که دو قبیله «اوس» و «خزرج» اند، این خصوصیت را داشته‌اند که به طور دسته جمعی به «حبل‌الله» تمسک شده‌اند و از این قضیه زمانی نگذشت که آثار سعادت و حلاوت نعمتهای الهی در زندگی برای آنان پدیدار گشت.<sup>۸۱</sup> شیخ طوسی آیه را به تمسک دست جمعی معنا می‌کند.<sup>۸۲</sup>

شاید همین نکته در آیه باعث شده که عده‌ای از مفسران بر اساس روایاتی «حبل‌الله» را به «جماعت» تفسیر کرده‌اند<sup>۸۳</sup> و گویا خواسته‌اند بگویند: جماعت خود ریسمان محکم الهی است و کسانی که همدست و همسو باشند، نجات یافته‌اند.

زمخشری، مفسر اهل سنت، نیز آیه را این‌گونه معنا می‌کند: «دسته جمعی به خدا استعانت کنید و خود را به او استوار نمایید و اختلاف و تفرقه نکنید.»<sup>۸۴</sup>

طبر

چهار: نکته جالب‌تر اینکه در آیه شریفه اتحاد و همبستگی یا رفع اختلافات و درگیری میان پیروان اسلام یا تمسک به حبل‌الله تعبیر به «نعمت» شده است.

پنج: هرچند شأن نزول آیه دو قبیله اوس و خزرج است،<sup>۸۵</sup> ولی خطاب آیه شریفه به عموم مسلمانان است (واعتصموا.. جمیعاً). طبیعی است که خوان این نعمت الهی همچنان گسترده است و کافی است مسلمانان از خود این شایستگی و کفایت را به نمایش بگذارند و از این نعمت بزرگ بهره‌مند گردند. این نکته که واژه «نعمت» دو بار در آیه ذکر شده، خود دلیل اهمیت فراوان آن است.

مفسر گرانقدر *المیزان*، جمله «واذکروا نعمت الله علیکم...» را بر اساس عادت و رسم قرآن کریم، علت و سبب دعوت به اعتصام به حبل‌الله می‌داند. خداوند می‌خواهد پیروان قرآن را به حقیقت دین و سعادت دین که دین برای انسان در نظر دارد، آشنا کند و از تقلید و پیروی کورکورانه باز دارد،<sup>۸۶</sup> می‌خواهد بفرماید: اگر شما را به اعتصام و عدم تفرقه می‌خوانیم بی‌دلیل نیست. دلیل اینکه شما را بدان دعوت کرده‌ایم همین است که خود به چشم خویش ثمرات اتحاد و اجتماع و تلخی عداوت و حلاوت محبت و الفت و برادری را چشیدید (داستان اوس و خزرج) و در اثر تفرقه به لبه پرتگاه آتش رفتید و در اثر اتحاد و الفت از آتش نجات یافتید. بدانید که این تمسک به حبل‌الله و اتحاد شما نعمتی از ناحیه ماست و متوجه شوید که تمامی دستورهایی که به شما می‌دهیم، به نفع شماست و سعادت و رستگاری شما را تأمین می‌کند.<sup>۸۷</sup>

شش: در پایان آیه شریفه، خداوند پیامد دردناک عدم اتحاد و همدلی مسلمانان را عرضه می‌دارد (بعد منفی) و خاطر نشان می‌سازد که از آنچه برگزشتگانتان یعنی اوس و خزرج، رفته است، عبرت بگیرید؛ آنان بر اثر اختلاف شدید مشرف به هلاکت بودند، ولی در سایه لطف خدا و ظهور اسلام نجات یافتند (...وکنتم علی شفا حفرة من النار فانقذکم منها).

«شفا حفرة» به معنای لبه پرتگاه است که هر کسی قدم بر آن بگذارد، مشرف به سقوط در آن خواهد بود.<sup>۸۸</sup> جمله «من النار» را برخی به آتش آخرت تفسیر کرده‌اند،<sup>۸۹</sup> ولی مرحوم علامه طباطبایی رحمته آن را به پرهیز از جنگها و نزاعها تفسیر می‌کند.<sup>۹۰</sup>

#### ۴-۴. پیامد اختلاف

یکی دیگر از آیات قرآن که از طریق بیان پیامد اختلاف، بر انسجام و همسویی مسلمانان تأکید می‌ورزد، آیه ۱۵ سوره آل‌عمران است؛ آیه‌ای که داستان دردناک شکست مسلمانان را در نبرد «احد» که بر اثر اختلاف میان جمعی از جهادگران ایجاد شد، به عنوان درس عبرت‌آمیز

یادآوری می‌کند. این اختلاف نه تنها شکست جمعی دیگر را در پی‌داشت، بلکه تخلف و سرپیچی از فرمان مؤکد فرمانده سپاه، یعنی رسول خدا ﷺ را نیز به ارمغان آورد و بهترین مردان خدا مانند «حمزه سیدالشهداء» را از مسلمانان گرفت و برای نخستین بار مسلمانان را به سوگ عمومی نشانده. این اختلاف به ظاهر جزئی، آن چنان تأثیر منفی بر سپاه اسلام گذاشت که حتی خبر به شهادت رسیدن پیامبر خدا ﷺ، سراسر میدان جنگ را پُر کرد و بسیاری از رزمندگان، مأیوسانه رزمگاه را ترک گفتند و رسول خدا را تنها گذاشتند، و اگر آن عده ایثارگر و جان برکف، محافظت جان او را بر جان خویش ترجیح نمی‌دادند، معلوم نبود بر سر پیامبر خدا و مسلمانان چه می‌آمد!

آیه شریفه می‌فرماید: «خداوند وعده خود را به شما (درباره پیروزی بر دشمن در احد) تحقق بخشید؛ و در هنگامی (که در آغاز جنگ) دشمنان را به فرمان او به قتل رساندید (و این پیروزی ادامه داشت) تا اینکه سست شدید (و بر سر رهاکردن سنگرها) در کار خود به نزاع پرداختید، و بعد از آنکه آنچه را دوست می‌داشتید (از غلبه بر دشمن) به شما نشان داد، نافرمانی کردید؛ بعضی از شما خواهان دنیا بودند، و برخی خواهان آخرت...»<sup>۹۱</sup>

همه ارباب تفسیر اتفاق نظر دارند که این آیه و آیات چندی بعد از آن، درباره جنگ احد فرستاده شده است، منتها برخی در توضیح آن گفته‌اند: وقتی رسول خدا ﷺ بعد از جنگ به «مدینه» بازگشت، یکی از اصحاب گفت: چرا ما شکست خوردیم، در حالی که خدا به ما وعده نصرت و ظفر داده بود؟ آن‌گاه این آیه نازل شد.<sup>۹۲</sup>

در نبرد احد، پیامبر اسلام ﷺ بر اساس موقعیت منطقه جنگی، تدابیر بسیار اساسی سنجیده بود، از جمله پنجاه نفر تیرانداز به فرماندهی عبدالله بن جبیر مأموریت داد که در تنگه پشت جبهه نگهبانی دهند و تأکید کرد که: «بر سنگرهایتان ثابت قدم بمانید و آن را به هیچ وجه ترک نکنید و حتی اگر دیدید ما در میدان نبرد دشمن را شکست می‌دهیم و بر آنها غالب آمدیم، باز هم شما تنگه را محافظت کنید.»<sup>۹۳</sup>

اما هنگامی که طلحه بن عثمان، پرچمدار سپاه شرک، به دست توانای علی بن ابی طالب علیه السلام به شدت مجروح شد و پای خود را از دست داد و در پی آن صدای تکبیر رسول خدا ﷺ بلند شد، دشمن از دیدن ضربت علی علیه السلام بر پرچمدار خود پا به فرار گذاشت و عده‌ای از دلاوران چون زبیر بن عوام، مقداد و... آنان را تعقیب نمودند.

تک‌تیراندازان تنگه وقتی این صحنه را مشاهده کردند، دچار نزاع و اختلاف گشتند. عده‌ای با فرمانده خود درباره ماندن در سنگر مخالفت کردند و خود را برای جمع‌آوری غنائم به میدان جنگ رساندند. خالد بن ولید که در کمین بود و انتظار چنین لحظه‌ای را می‌کشید، به سرعت افراد

طرح



تحت فرماندهی خود را وارد تنگه کرد. آنان ده نفر باقی مانده نگهبانان دره را به شهادت رساندند و از پشت بر سپاه اسلام حمله کردند. مشرکان که در حال پراکنده شدن بودند، با این حادثه جدید، بار دیگر به خود سر و سامان دادند و دردآورترین زخم را بر سپاه اسلام وارد آوردند؛ هفتاد مرد جنگی شهید و بقیه جز اندکی که جان رسول الله ﷺ را محافظت می‌کردند، متواری شدند.<sup>۹۴</sup>

سرانجام آنچه از این آیه شریفه استفاده می‌شود، دو نکته اساسی است:

**اول:** اختلاف و نزاع میان تیراندازان، که قرآن از آن به «تنازع» یاد می‌کند، به طور جدی صورت گرفت. تنازع به معنای اختلاف از ماده «تزع» و به معنای نوعی کندن است. اختلاف را از این جهت تنازع گویند که در حقیقت طرفین نزاع، هر کدام می‌خواهد دیگری را از آنچه دارد برکند،<sup>۹۵</sup> یا اینکه هر یک از دو طرف نزاع، میل پیدا می‌کند به غیر چیزی که دیگری به آن متمایل است.<sup>۹۶</sup> این اختلاف هم به خاطر یک امر کلی و نامفهوم نیست که طرفین در تفسیر و تبیین آن دچار آرای متفاوت شده باشند، بلکه آنان برای به چنگ آوردن مال بی‌ارزش دنیا (منکم من یرید الذنیا) فرمان رسول خدا و فرمانده خود را نادیده گرفتند.

**دوم:** آیه شریفه پیامد این اختلاف را «سستی و ضعف» می‌داند و می‌فرماید: در اثر اختلاف «فشل» شدید. فشل به معنای ضعف توأم با اضطراب است،<sup>۹۷</sup> گرچه برخی آن را به معنای ترس و جبن گرفته‌اند<sup>۹۸</sup> که این معنا با وضعیت تیراندازان سازگاری ندارد.<sup>۹۹</sup> بعضی دیگر گفته‌اند: «یعنی در تصمیم و عمل دچار ضعف شدید و نتوانستید نفستان را از به دست آوردن غنیمت بازدارید.»<sup>۱۰۰</sup>

خداوند در بیان پیامد اختلاف نمی‌گوید: سرانجام این شکاف، کشته شدن عده زیادی و شکست شما بود، بلکه می‌فرماید: پیامد آن ضعف و سستی شما بود که به مراتب دردناک‌تر از شکست و از دست دادن دلاورانان است.

سیدقطب، بعد از توضیح اختلاف میان تیراندازان دره احد، می‌گوید:

قلیها متشتت و پراکنده شدند، دیگر صف واحد نداشتند، هدف واحد از بین رفت، طمع دنیا خواهی نور اخلاص را ربود، معركة عقیده از اخلاص خالی شد...<sup>۱۰۱</sup>

در نتیجه آنچه در این حادثه بر مسلمانان رفته است، برای همه مسلمانان سرمشق و درس عبرت است و هشداری است که اگر با وحدت و همدلی و آشتی زندگی نکنند، تردیدی نداشته باشند که دشمن همواره در کمین است و برای هر جمعی و هر تفکری، دامهای رنگارنگ بر اساس سلیقه‌ها و گرایشها و طیفها و... گسترانیده است.

آیات دیگری نیز بر اهمیت و ضرورت اتحاد و انسجام مسلمانان تأکید می‌کند. آیات ۴۶ و ۶۰ سوره انفال، ۵۹ سوره نساء، ۹ سوره حجرات، ۱۳ سوره شوری، ۱۵۳ سوره انعام و ۵۶ سوره توبه از آن جمله‌اند.

### نتیجه‌گیری

منظور از وحدت مسلمانان این است که همه مسلمانان با وجود دیدگاهها و سلیقه‌های متفاوت، در برابر دشمنان مشترک یکدست و هماهنگ و منسجم عمل کنند. وحدت به معنای کنار گذاشتن مذاهب و آرای آن و ایجاد مذهب جدید نیست. از دیدگاه قرآن، ضرورت و اهمیت اتحاد، از اساسی‌ترین مسائل اجتماعی و دینی مسلمانان است. هدف واحد در سایه پرستش خدایی واحد، هشدار قرآن به پیامد اختلاف، چنگ‌زدن به ریسمان الهی و...، از بارزترین موارد تأکید قرآن بر وحدت است. اختلاف، ضعف و ناتوانی در برابر دشمنان و از دست دادن ابهت و عظمت و... را در پی دارد و سرانجامی دردناک و در نتیجه تسلط دشمنان را به ارمغان می‌آورد!



طهری

سال ششم - شماره ۲۴ - زمستان ۱۳۸۶

## پی نوشتها:

۱. اشاره به تهاجم صهیونیستها به لبنان و کشتار «قانا» در سال گذشته و عملیات تروریستی و کشته و مجروح شدن دهها نفر در عراق و فلسطین.
۲. اشاره به سہبار «توتو» کردن قطعنامه سازمان ملل در خصوص محکوم کردن صهیونیستها توسط آمریکا در مورد کشتار انسانهای بی گناه در لبنان (تابستان ۸۵).
۳. محمدفرید وجدی، *دائرة المعارف القرن العشرين*، ج ۱۰، ص ۶۴۵.
۴. راغب اصفهانی، *مفردات*، ص ۷۵۷ (با تصرف و تلخیص).
۵. علی اکبر دهخدا، *لغت نامه*، ج ۴۸، ص ۱۳۲.
۶. سعیدالخورى، *اقرب الموارد فی فصیح العربیة و النوادر*، ج ۲، ص ۱۴۳۲؛ محمدفرید وجدی، *دائرة المعارف*، ج ۱۰، ص ۶۴۵.
۷. *لغت نامه دهخدا*، ج ۴۸، ص ۱۳۲.
۸. همان.
۹. *آل عمران*: ۶۷.
۱۰. بقره: ۱۳۲، ۱۳۳؛ *آل عمران*: ۸۴، ۱۰۲.
۱۱. بقره: ۱۳۶-۱۳۷.
۱۲. *آل عمران*: ۶۴؛ *عنکبوت*: ۴۶.
۱۳. یونس: ۹۰.
۱۴. نحل: ۸۹.
۱۵. انعام: ۱۶۳؛ یونس: ۷۲.
۱۶. حجرات: ۱۴.
۱۷. قلم: ۳۵.
۱۸. *آل عمران*: ۲۸؛ نساء: ۱۴۴، ۱۴۱، ۳۹؛ مائده: ۵۴.
۱۹. بقره: ۱۰۸؛ *آل عمران*: ۱۶۷-۱۷۷؛ مائده: ۵؛ توبه: ۲۳؛ غافر: ۱۰؛ نحل: ۱۰۶؛ *آل عمران*: ۸۶-۹۰؛ سجدہ: ۲۹.
۲۰. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، کتاب وحدت (مجموعه مقالات)، ص ۲۰۵ (محمد واعظزاده خراسانی).
۲۱. *و كذلك جعلناکم امة وسطا لتکونوا شهداء علی الناس و یكون الرسول و علیکم شہیداً*: بقره: ۱۴۳؛ *والکل امة رسول فاذا جاء رسولهم قضی بینهم بالقسط*: یونس: ۴۷؛ *ولقد بعثنا فی کل امة رسولا ان اعبدوا الله واجتنبوا الطاغوت*: نحل: ۳۶؛ *کان الناس امة واحدة فبعث الله النبیین مبشرین و منذرین... بقره: ۲۱۳*؛ *وما کان الناس الا امة واحدة فاختلفوا... یونس: ۱۹*؛ *ان هذه امتکم امة واحدة و انا ربکم فاعبدون: انبیاء: ۹۲*؛ مؤمنون: ۵۲.
۲۲. اکبر هاشمی رفسنجانی و همکاران، *تفسیر راهنما*، ج ۲، ص ۵۹.
۲۳. سیدمحمدحسین طباطبائی، *ترجمه تفسیر المیزان*، ج ۲، ص ۱۸۵.
۲۴. مکارم شیرازی و همکاران، *تفسیر نمونه*، ج ۱، ص ۴۷.
۲۵. کتاب وحدت (مجموعه مقالات)، ص ۲۰۶.

۲۶. همان، ص ۲۰۴ (واعظزاده خراسانی).

۲۷. همان، ص ۳۸۴.

۲۸. **واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا واذكروا نعمت الله عليكم إذ كنتم أعداء فألف بين قلوبكم.**

۲۹. **وأعدوا لهم ما استطعتم من قوة ومن رباط الخيل ترهبون به عدو الله وعدوكم ...** «اعداد» به

معنای تهیه کردن چیزی است تا انسان با آن به هدف دیگری که دارد برسد؛ «قوة» به معنای هر

چیزی است که با وجودش کار معینی از کارها ممکن می‌گردد، و در جنگ به معنای هر چیزی است

که جنگ و دفاع یا آن امکان‌پذیر باشد؛ «رباط» مبالغه در ربط و «ربط» همان عقد و گیره است، با این

تفاوت که ربط سست‌تر از عقد و عقد محکم‌تر از ربط است؛ «ارهاب» در اصل به معنای کندن نفس

از ترس است که همان معنای ترساندن را می‌رساند؛ تفسیر المیزان، ج ۹، ص ۱۵۰-۱۵۱؛ الشیخ ابی

علی الفضل بن الحسن البطرسی، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، ج ۲-۱، ص ۸۵۲.

۳۰. **اطيعوا الله واطيعوا الرسول ولا تنزعوا فتفشلوا وتذهب ريحكم...** منظور از اطاعت، دستورهای

است که از ناحیه خدا و رسولش راجع به امر جهاد از حریم دین و کیان اسلام صادر می‌شود.

۳۱. **محمد رسول الله والذین معه اشدوا علی الکفار رحما بینهم: فتح: ۲۹.**

۳۲. **مجمع البیان**، ج ۲-۱، ص ۴۴۷.

۳۳. همان، ص ۴۷۱.

۳۴. **راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن**، ص ۲۴۹؛ دکتر طه جابر، **ادب الاختلاف فی الاسلام**،

ص ۲۱-۲۲.

۳۵. **المیزان**، ج ۱۱، ص ۸۰.

۳۶. همان، ج ۱۸، ص ۱۷۸: **فاختلف الاحزاب من بینهم فویل للذین ظلموا من عذاب یوم عظیم.**

۳۷. **کان الناس امة واحدة فبعث الله النبیین مبشّرين و منذرين و انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین**

**الناس فیما اختلفوا فیه، و ما اختلف فیه...**

۳۸. **تفسیر المیزان**، ج ۲، ص ۱۸۲ (خلاصه).

۳۹. همان، ج ۲، ص ۱۷۶-۱۷۵، ۱۸۶ (با تصرف و تلخیص).

۴۰. **محمدرشد رضا، تفسیر القرآن الحکیم (معروف به المنار)**، ج ۲، ص ۲۸۲.

۴۱. **و من آیاته خلق السموات و الارض و اختلاف السنتکم و الوانکم ان فی ذلك لآیات: روم: ۲۲.**

۴۲. **المیزان**، ج ۲، ص ۱۷۷: **المنار**، ج ۲، ص ۲۸۲ (با تصرف).

۴۳. **بقره: ۲۱۳: فبعث الله النبیین مبشّرين و منذرين و انزل معهم الکتاب بالحق لیحکم بین الناس فیما**

**اختلفوا فیه.**

۴۴. **المیزان**، ج ۲، ص ۱۸ و ج ۱۰، ص ۴۱.

۴۵. همان، ج ۱۱، ص ۸۱؛ ج ۱۸، ص ۴۱-۴۲؛ ج ۱۰، ص ۴۱-۴۲؛ ج ۲، ص ۱۸۲.

۴۶. **بقره: ۲۱۳: ... و ما اختلف فیه الا الذین اوتوه من بعد ما جائتهم البینات و بغیا بینهم ...**

۴۷. **شرع لکم من الذین ما وصی به نوحا و الذی اوحینا الیک و ما وصینا به ابراهیم و موسی و**

**عیسی ان اقیعوا الذین و لا تفرقوا فیه... و ما تفرقوا الا من بعد ما جائتهم العلم بینهم...**

۴۸. **المیزان**، ج ۲، ص ۸۲.

۴۹. **ابی علی الفضل بن الحسن الطبرسی، تفسیر مجمع البیان**، ج ۲-۲، ص ۵۵۴.

طهری

سال ششم - شماره ۲۴ - زمستان ۱۳۸۶

۵۰. ناصر مکارم شیرازی و همکاران، تفسیر نمونه، ج ۲، ص ۹۴-۹۵.
۵۱. تفسیر المنار، ج ۴، ص ۲۲؛ مجمع البیان، ج ۲-۱، ص ۸۰۵.
۵۲. همان، تفسیر نمونه، ج ۱، ص ۴۲؛ محمدبن جریر الطبری، جامع البیان، ج ۴، ص ۴۲.
۵۳. طه جابر، ادب الاختلاف فی الاسلام، ص ۳۳.
۵۴. عبدالحمیدبن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، ج ۱، ص ۱۵۹.
۵۵. ایشان از اختلاف در فرمان رسول خدا نام نمی‌برد.
۵۶. آل عمران: ۱۴۴؛ زمر: ۳۰.
۵۷. طه جابر، ادب الاختلاف فی الاسلام، ص ۵۰؛ ملل و نحل، ج ۱، ص ۲۲-۲۹؛ فان سیدنا عمرین الخطاب اصراً علی ان رسول الله لم یت... فسقط السیف من ید عمر، و خرّ فی الارض... .
۵۸. همان؛ ابی عیسی محمدبن عیسی بن سوره، الجامع الصحیح (سنن ترمذی) ج ۳، ص ۳۳۸، حدیث شماره ۱۰۱۸.
۵۹. همان.
۶۰. همان، ص ۷۵.
۶۱. الشیخ محمد آل عبدالجبار، الشهب الثواقب فی رجم الشیاطین، ص ۳۹ به نقل از مقالات الاسلامیین.
۶۲. ابی الفتح محمدبن عبدالکریم شهرستانی، الملل و النحل، ج ۱، ص ۲۲-۲۹.
۶۳. مؤسسه آل البیت، مجله تراثنا، ج ۱۶، ص ۹۶. به نقل از مقالات و الفرق، ص ۲؛ تاریخ مذاهب الاسلامیه لابی زهره، ص ۲۰ و ۲۵ و ۸۸؛ الشیخ ابی جعفر محمدبن جریر بن رستم الطبری (الشیعی)، دلائل الامامة، ص ۱۶.
۶۴. محمد رشید رضا، تفسیر القرآن الحکیم (المنار)، ج ۳، ص ۱۰.
۶۵. ذاریات: ۵۶؛ وما خلقت الجن والانس الا لیبعدون.
۶۶. السید محمد باقر الحکیم، الوحدۃ الاسلامیه...، ص ۲۹ (خلاصه مضمون).
۶۷. السید علاء الدین المدرس، الامه الوسط (فی نظره فی تاریخ الخروج السیاسی فی صدر الاسلام)، ص ۹۵.
۶۸. انبیاء: ۹۲ و مؤمنون: ۵۲؛ ان هذه امتکم امته واحده و انا ریکم فاتقون: فاعبدون.
۶۹. سید محمد حسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ج ۱۴، ص ۴۵؛ ابی علی الفضل بن الحسن الطبرسی، مجمع البیان، ج ۸-۷، ص ۹۹.
۷۰. همان، ج ۱۴، ص ۱۵۵.
۷۱. و لا تکنوا کالذین تفرّقوا و اختلفوا من بعد ما جاء هم البینات و اولئک لهم عذاب عظیم.
۷۲. تفسیر مجمع البیان، ج ۲-۱، ص ۸۰۷-۸۰۸.
۷۳. تفسیر المیزان، ج ۳: ۵۷۹.
۷۴. واعتصموا بحبل الله جمیعاً و لا تفرّقوا و اذکروا نعمت الله علیکم إذ کنتم أعداء فألف بین قلوبکم فأصبحتم بنعمته إخواناً.
۷۵. تفسیر مجمع البیان، ج ۲-۱، ص ۸۰۳؛ الامام محمد بن علی بن محمد الشوکانی، فتح القدر، ج ۲، ص ۴۷۴.

۷۶. همان.
۷۷. محمدرشید رضا، تفسیر القرآن الحکیم (النار)، ج ۴، ص ۲۰.
۷۸. الشیخ اسماعیل حقی البروسی، تفسیر روح البیان، ج ۲، ص ۸۹؛ الامام فخرالدین محمدبن عمر بن الحسین الرازی، التفسیر الکبیر او مفاتیح الغیب، ج ۴، ص ۱۵۱.
۷۹. سید قطب، فی ضلال القرآن، ج ۲، ص ۲۵ (با تصرف و تلخیص).
۸۰. کتاب وحدت (مجموعه مقالات)، ص ۵۴: مقاله «وحدت در قرآن» از دکتر علوی مقدم (خلاصه).
۸۱. المیزان، ج ۳، ص ۵۷۶.
۸۲. تفسیر البیان فی تفسیر القرآن، ج ۲، ص ۵۴۹.
۸۳. جلال الدین عبدالرحمن سیوطی، الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۰۷؛ محمدبن یوسف معروف به ابی حیان الاندلسی، البحر المحیط، ج ۳، ص ۲۸۶؛ محمدبن جریر الطبری، تفسیر طبری، ج ۴، ص ۳۹.
۸۴. محمود عمر زمخشری، الکشاف عن حقائق التزیل وعیون الاویل فی وجوه التأویل، ج ۱، ص ۴۵۰-۴۵۱.
۸۵. مجمع البیان، ج ۱-۲، ص ۸۰۵؛ جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۰؛ تفسیر نمونه، ج ۳، ص ۳۸؛ اسماعیل بن کثیر الدمشقی، تفسیر ابن کثیر، ج ۲، ص ۸۵؛ ابوالفتوح رازی، تفسیر روح الجنان و روح الجنان، ج ۳، ص ۱۲۶.
۸۶. تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۵۷۲-۵۷۵.
۸۷. همان.
۸۸. همان، ص ۵۷۵.
۸۹. جلال الدین سیوطی، الدر المنثور، ج ۲، ص ۱۰۹.
۹۰. تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۵۷۵.
۹۱. ولقد صدقکم اللہ وعده إذ تحسنهم بإذنه حتی إذا فشلتم وتنازعتم فی الأمر وعصیتم من بعد ما أراکم ما تحبون منکم من یرید الدنیا ومنکم من یرید الآخرة....
۹۲. محمدرشید رضا، تفسیر المنار، ج ۴، ص ۱۸۱.
۹۳. همان، ص ۱۸۲؛ تفسیر طبری، ج ۴، ص ۱۵۱؛ رسول خدا ﷺ به تیراندازان فرمود: «اتیتوا مکانکم و لا تهرحوا و ان رأیتمونا قد هزمننا هم فانا لن نزال غایبین ما یتیم مکانکم.»
۹۴. همان، ص ۱۵۱؛ تفسیر المنار، ج ۴، ص ۱۸۲؛ المیزان، ج ۴، ص ۶۶.
۹۵. المیزان، ج ۹، ص ۱۲۲.
۹۶. تفسیر المنار، ج ۱۰، ص ۲۵.
۹۷. تفسیر المیزان، ج ۱۰، ص ۲۵.
۹۸. تفسیر مجمع البیان، ج ۱-۲، ص ۸۵۸.
۹۹. تفسیر المیزان، ج ۴، ص ۶۶.
۱۰۰. تفسیر المنار، ج ۴، ص ۱۸۲.
۱۰۱. فی ضلال القرآن، ج ۲، (جزء ۴)، ص ۱۰۷.

طلوع